

قرای موقوفه و متعلقات آن در مازندران

معصومه یدالله پور^۱

چکیده:

وضعیت اجتماعی قریه یا ده در ایران با توجه به موقعیت زمانی آن ده یا قریه بوده است و در مقام کوچک ترین واحد تقسیمات کشوری در اقتصاد ایران اهمیت دارد. بسیاری از این قریه ها که در بالندگی شهرها نقش مهمی ایفا نمودند، به صورت وقف هستند. با توجه به این که اقتصاد ایران در دوره قاجار بر اساس اقتصاد روستایی بود، بسیاری از قریه های مازندران و متعلقات آن به دلایل مختلف وقف شدند. این نوع از موقوفات که تأمین کننده نیازهای کشاورزی، دامپروری، چوب و دیگر موارد هستند، در استمرار ده و نظام ده نشینی در ایران نقش مهمی دارد. از این روی در این نوشتار سعی شده تا با بررسی وقفنامه ها، در سه شهرستان مهم مازندران، این نوع از موقوفات، مطالعه شود.

کلیدواژه ها:

وقف، قریه، مراتع، مازندران.



مقدمه

روستاهای مازندران^۲ مسائل اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد و محل اصلی تأمین نیروی کار، درآمد و کسب معیشت به شمار می‌رود. در قرون نخستین اسلامی و از آن میان سده چهارم قمری، ده، مرکز مهم انتقال بنیان‌های فرهنگی به‌ویژه از طریق نظام دهقانی بود. زمین‌داران بزرگ که میان ده و شهر پیوند برقرار می‌کردند به‌عنوان بخشی از حافظه تاریخی موارث فرهنگی را منتقل و از این راه اعتبار ده را از نظر فرهنگی دوچندان می‌کردند^۳. با توجه به این‌که از جمله عوامل بنیادی در استمرار روستا در ایران نهاد وقف است و نقش و عملکرد روستا در تعریف سنتی، به‌طور کامل مشخص است، این نوشتار به مطالعه روستاهای موقوفه در شهرستان‌های تاریخی ساری، بابل و آمل اختصاص می‌یابد.

ده و ده‌نشینی در ایران

روستا به‌عنوان اولین سکونتگاه انسان صورت مرخم روستاک پهلوی است و روستاک شکل تغییر یافته رُزداق اوستایی است. در دوره اسلامی روستاک پهلوی به زبان عربی راه پیدا کرد و در تداول اعراب به صورت‌های رستاق، روستاق و گاه رسداق و پس از راهیابی به منابع فارسی زبان به شکل روستا درآمد اما روستا و رستاق دو واحد جغرافیایی مستقل بود^۴. روستا مترادف ده و قریه و رستاق واحد بزرگ‌تر از شهر در حکم بخش یا دهستان امروزی بوده است^۵.

ده و ده‌نشینی در ایران از نظر اقتصادی، زندگی اجتماعی، اثرگذاری فرهنگی، نقش سیاسی و دیگر وجوه آن جایگاه بارز و قابل تأملی داشته و در بالندگی شهرها نقش مهمی دارد^۶. علاوه بر آن، ده به‌خصوص دهات ییلاقی از مناطق مورد توجه و گردشگری در ایران بوده است. بدین گونه که با شروع فصل گرما تعدادی از سکنه شهرهای ایران به مناطق ییلاقی نزدیک به محل سکونت خود می‌رفتند تا از هوای مطبوع و خنک ییلاقی در فصل گرما استفاده نمایند و تقریباً تا شروع

فصل سرما در آنجا می ماندند و بعد به مناطق خود بازمی گشتند که در بسیاری از شهرهای ایران این عرف وجود داشت. جدا از جنبه تفریحی، مردم دهات مازندران که در فصل تابستان و پاییز برای کشت برنج در کوهستان به سر می بردند، آن را ییلاقی گویند تا از قشلاق که محل زندگی دائمی آنان در روستا اطلاق می شود، متمایز باشد.^۷ جالب آن است که بسیاری از دهات ییلاقی در دوره قاجار به سفرا و نمایندگی های خارجی (انگلیس، روسیه، فرانسه، اتریش و...) واگذار شد تا جایی که اختیار حکومت آن قرا در دست سفرای مزبور بود و احدی نمی توانست بدون اجازه سفارت، خانه بخرد یا کرایه کند.^۸ در نتیجه مشکلاتی را ایجاد می کرد.

نهاد وقف در روستاهای مازندران

نهاد وقف به منزله رکنی پایدار، در ساختار ده و نظام ده نشینی تأثیر داشته و ده از این راه با تحولات سیاسی و مذهبی در پیوند قرار می گرفت.^۹ اگر شهری بر اثر رویدادی سیاسی به زوال رو می نهاد، ده می توانست تا مدت ها خود را مصون نگه دارد و چون بیشتر خودکفا بود کمتر درگیر تحولات سیاسی می شد.^{۱۰}

در ایران از قدیم الایام قرای موقوفه اکثر دارای اراضی زیر کشت، بایر و چراگاه و مرتع^{۱۱} و تپه و کوه بوده اند که شش دانگ به ثبت می رسید و از اراضی چراگاه و مرتع به طور طبیعی بهره برداری می شد.^{۱۲} روزگاری مراتع به جامعه ایلی تعلق داشت و خان نماینده آن جامعه بود. با ملی شدن مراتع، مالکیت ایلات و حاکمیت خوانین بر مراتع از بین رفت و چیزی هم جایگزین آن نشد. بنابراین یکی از دلایل عمده تخریب مراتع همین مسأله اساسی است^{۱۳} اما مرتع و قریه هایی که توسط طوایف مختلف وقف شدند، محفوظ ماند.

اراضی مرتعی که به صورت موقوفه است با دو شرط مشمول واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ خواهند بود:
۱. دلایل معتبری بر وقف آنها باشد و ۲. توسط اشخاص ایجاد شود^{۱۴}. اگر مرتعی

به دلیل معتبر از قبیل کشت درختان و یا بوته در آن متناسب با شرایط زمین در زمان‌های پیشین احیا شده به ملکیت خصوصی افراد درآمده و سپس وقف شده باشد به وقفیت خود باقی بماند و نمی‌توان به بهانه ملی شدن مراتع یا جنگل‌ها آنها را از موقوف‌علیه‌م گرفت^{۱۵}. برای مرتع وقفی می‌بایست در عین حال کوشید تا نظر واقف عمل گردد. باید در بالا رفتن ظرفیت غذایی مرتع و احیای مجدد آن کوشش کرد. شاید هم مسأله اجاره دادن مراتع و کوشش در بالا بردن سطح درآمد مرتع مغایرتی با اصل وقف نداشته باشد هرچند که برخی نظر دارند که چون مرتع جزء انفال است اصلاً وقف کردن آن جایز نیست^{۱۶}.

در استان مازندران قریه و مراتع بسیاری به صورت وقف است که برخی از آنها در مناطق بیلاقی و کوهستانی قرار دارند (لاریجان، نور^{۱۷} و...). اینک به صورت جداگانه، سه شهر مهم و تاریخی استان مازندران به همراه روستاهای موقوفه و متعلقات آن معرفی می‌شود:



تقسیمات شهری استان مازندران

آمل

شهرستان آمل از شمال به شهرستان محمودآباد، از شرق به شهرستان بابل، از غرب به شهرستان نور و از جنوب به استان تهران محدود می شود.
آمل در تقسیمات سیاسی استان مازندران سال ۱۳۸۷ شمسی

شهرستان	مرکز	بخش	مرکز بخش	دهستان	مرکز دهستان	شهر
آمل	آمل	مرکزی	آمل	بالا خیابان لیتکو	اسکومحله	آمل
				پایین خیابان لیتکو	مرانده	
				چلاو	رزکه	
				هزارپی جنوبی	قادی محله	
دابودشت	دابودشت	دابودشت	دابودشت	دابوی جنوبی	رییس آباد	دابودشت
				دشت سر	نچارمحله	
لاریجان	لاریجان	گزنک	گزنک	بالا لاریجان	گزنک	رینه گزنک
				لاریجان سفلی	بایجان	

مأخذ: استان شناسی مازندران، صص ۳۹-۴۲

آملی، نیاکی، شاهاندشتی، مشایی، اسکی، بهرستاقی، نوایی، دلارستاقی، ایرایی، امیری و گروه‌هایی چون لاسمی، نوری، تیکوهی، کلشی از جمله طوایفی هستند که در طی دوره‌های مختلف در آمل سکنی گزیدند^{۱۸} و موقوفات بسیاری از خود بر جای گذاشتند. مراتع و قریه‌های موقوفه مازندران در آمل، نور و لاریجان بدین شرح است:

شش دانگ مرتع موسوم به تجن رودبار، شش دانگ تترستاق نور مقابل سیاه بیشه، یک بخته از دوازده بخته نیم دانگ از شش دانگ لوتوک من مراتع تاکر نور، سه دانگ مرتعان واقع در تترستاق نور، شش دانگ قریه کوسه زر من محال اهلمرستاق، سه دانگ مشاع از شش دانگ قریه آبکسر، یک دانگ از شش دانگ قریه انصاری محله، یک تالار مرتع کنک واقع در دهلاستاق، یک تالار خورتاب سرا

واقع در دنیلا رستاق، شش دانگی مزرع و مرتع... واقع در پایین بلده آمل قریه، یک دانگ مرتع زمستانی واقع در بلوک بندپی، یک دانگ مرتع زمستانی سنگ طلار واقع در محال چلاو، یک دانگ مرتع جزنو، یک دانگ مرتع بالا کررت کوتی، یک دانگ مرتع پایین کررت کوتی، یک دانگ مرتع سنگ سی، یک دانگ مرتع آزاد کوتی، یک دانگ مرتع جزنو هزار پا، یک دانگ مرتع کهک، سه ربع از کل شش دانگ زمین قریه شهر بانو محله شش جریب، سه دانگ قریه روکش آمل، یک دانگ از سه دانگ قریه انصاری محله، تمامت ده سیر از سه دانگ از کل شش دانگ قریه هارون کلا از محال دشت سر، مقدار بیست و چهار قفیز از ملک قریه شهر کوتی، ده سیر از تمامت از یک دانگ و نیم از قرای کبودکلا و صورت کلا و کرسی کلا من قرای دابوی مازندران، سه ربع از یک دانگ از کل شش دانگ از قریه کارچه کلا، تمامت نیم سهم مشاع از یک سهم از چهارده سهم از سه چهارم یک دانگ مشاع از شش دانگ دهکده هلی کتی^{۱۹}، قریه رینه لاریجان آمل (چراگاه و زمین های مزروعی)^{۲۰} و...

وقف احشام^{۲۱}

۱۸ رأس گوسفند و...

ساری

از شمال و شمال شرقی به دریای مازندران و شهرستان بهشهر، از جنوب و جنوب شرقی به رشته کوه های البرز و استان سمنان، از مشرق به شهرستان بهشهر و نکا و از مغرب به شهرستان های قائم شهر، سواد کوه و جویبار محدود است. روستاهای موقوفه یا مال الاجاره روستاهای شهرستان ساری^{۲۲} به شرح زیر است: شصت خروار شلتوک نیم دانگ از قریه ملک آباد، یکصد و پنجاه خروار شلتوک مال الاجاره سه دانگ از قریه آخرسر، یکصد و پنجاه خروار شلتوک مال الاجاره قریه حاجی کلا، یک دانگ و نیم وجه اجاره یکصد و پنجاه تومان خرم آباد و

آلویاک و درازمحلہ و تبرہ دار، شش دانگ مال الاجارہ ہزار خروار شلتوک، سیصد خروار شلتوک و شصت تومان وجہ نقد مال الاجارہ شش دانگ قریہ آہودشت، یکصد خروار شلتوک مال الاجارہ دو دانگ از قریہ ملک و دوہست خروار شلتوک مال الاجارہ، شش دانگ قریہ بین جلو (شلتوک)، سہ خبیز از اراضی نومل، چہار خبیز از اراضی گل افشان، شش دانگ روستاہای درازمحلہ، خرم آباد و طوربدار، شلتوک زار اربابی ۲۱ جریب نقد ۳۰/۲۷ ریال برنج ۶۳ رطل، دو دانگ روستای ملیک، یک دانگ قریہ خوار میان ۲۳، قریہ موسوم بہ فوريجا در بلوک علی آباد ۲۴ و....

ساری در تقسیمات سیاسی استان مازندران سال ۱۳۸۷ شمسی

شهرستان	مرکز	بخش	مرکز بخش	دهستان	مرکز دهستان	شهر
ساری	مرکزی	ساری	ساری	اسفیورد شوراب	شرفدارکلا	ساری
				رودپی جنوبی	فیروزکنده	
				رودپی شمالی	فرح آباد	
				کلیجان رستاق سفلی	فرح آباد	
				مذکورہ	بندارخیل	
				میان درود کوچک	سمسکنده علیا	
ساری	ساری	چہاردانگہ	کیاسر	پشتکوه	تلمادرہ	کیاسر
				چہاردانگہ	کیاسر	
				گرماب	خالخیل	
ساری	ساری	دودانگہ	فریم	بنافت	سنگدہ	فریم
				فریم	فریم	
ساری	ساری	کلیجان رستاق سفلی	شہر پایین ہولار	تنگہ سلیمان	ریگ چشمہ	شہر پایین ہولار
				کلیجان رستاق سفلی		

مأخذ: استان شناسی مازندران، صص ۳۹-۴۲

بابل

از مشرق به شهرستان قائم‌شهر و سوادکوه، از مغرب به شهرستان آمل و از جنوب به شهرستان دماوند محدود است. از شمال شهرستان بابلسر آن را از دریای مازندران جدا می‌کند. شهرستان بابل بر بخش‌های مرکزی، بندپی غربی و شرقی مشتمل است. مناطق روستایی آن در دشت و کوهستان قرار گرفته است. بندپی به لحاظ کوهستانی بودن و داشتن جنگل‌های انبوه و مراتع فراوان از نواحی بیلاقی مشهور مازندران شمرده می‌شود^{۲۵}.

۱۲۸

موقوفات

بابل در تقسیمات سیاسی استان مازندران سال ۱۳۸۷ شمسی

شهرستان	مرکز	بخش	مرکز بخش	دهستان	مرکز دهستان	شهر
بابل	بابل	مرکزی	بابل	فیضیه	سلطان محمدطاهر	امیرکلا بابل
				گنج افروز	پایین گنج افروز	
				اسبوکلا	اسبوکلا	
بابل	بابل	کتاب	کتاب	کتاب شمالی	کتاب	کتاب
				کتاب جنوبی	بالامرزیال	
بابل	بابل	کنار	مرزی کلا	بابل کنار	مرزی کلا	مرزی کلا
				درازکنار	درازکلا	
بابل	بابل	بندپی شرقی	گلوگاه	سجاد رود	گلوگاه	گلوگاه
				فیروزجاه	فیروزجاه ثابت	
بابل	بابل	بندپی غربی	خوش رود پی	خوش رود	خوش رود پی	خوش رود پی
				شهیدآباد	شهیدآباد	
بابل	بابل	زرگر محله	زرگر محله	کاری پی	زرگر محله	زرگر محله
				لاله آباد	پایین احمدچاله پی	

مأخذ: استان شناسی مازندران، صص ۳۹-۴۲

روستا و زمین‌های مزروعی موقوفه شهرستان بابل عبارت است از: دو دانگ و

شانزده سیر کلمدون و نقیب کلا و پایین جنید از قرای بلوک پیشه توابع بارفروش، سه جریب و پنج قفیز زمین مزروعی خارج از دهک واقع در کلامدن، پانزده سهم از چهار دانگ ملکی قریه طرفچی کلامن، قریه حسین آباد توابع ساری شناع از شش دانگ سه دانگ بین ورثه هفتاد و شش خروار و ده پیمان، قریه کرواد خمیرکنده توابع علی آباد، قریه دوعی کلا من قرای بلوک... از رک که متاع از شش دانگ یک دانگ و نیم و چهار سیر و نیم یک سهم از سه سهم از یک دانگ از شش دانگ...، بلوک جلال از رک مازندران من اعمال بلده بارفروش قریه ارچی من قرای بلوک جلال از رک مازندران من توابع بارفروش مشاع از شش دانگ با جمیع توابع و لواحق بقدرالحصه الشایعه دو دانگ و نیم، قریه درکنار من قرای بلوک جلال از رک مازندران از توابع بارفروش مشاع از شش دانگ با جمیع لواحق بقدرالحصه الشایعه دو دانگ ۲۶ و....

علت وقف روستا در ایران

وقف کردن در هر دوره متناسب با نیاز و شرایط آن جامعه است یعنی در دوره‌ای که جامعه دچار هرج و مرج و بی‌ثباتی سیاسی می‌شود مردم از ترس مصادره شدن، اموال‌شان را وقف می‌نمودند و در برخی از مواقع چون مالیات بسیار سنگین بود برای فرار از پرداخت مالیات به وقف پناه می‌بردند تا از پرداخت مالیات معاف باشند^{۲۷}. حضور بیگانگان در ایران به خصوص در روستاها و احساس تعلق به آنجا می‌تواند دلیل دیگری بر وقف باشد. برای مثال: در دوران قاجار تعدادی از بیلاقات در ایران برای سفرای خارجی در نظر گرفته می‌شد. این سفیران در آنجا ساختمان احداث می‌کردند و کم‌کم احساس تعلق به این مناطق پیدا می‌کردند تا زمانی که واگذاری دهات بیلاقی به نمایندگان خارجی مشکلاتی را ایجاد می‌نمود. و یا در ایران ده، سخت به نظام آبیاری و آبرسانی وابسته بود و ده‌های ایران معمولاً با استفاده از دو شیوه بارز آب‌های سطح الارضی و آب‌های سفره‌های زیرزمینی - چاه

و قنات - به آب دسترسی می یافتند. بنابراین هر جا که دسترسی به آب راحت بود، بالندگی و گسترش ده رشد چشمگیرتری داشت^{۲۸}. از این رو مالکیت بسیاری از این دهات و متعلقات آن به صورت وقف است که طوایف و زمین داران بزرگ هم نقش مهمی در آن ایفا می کنند. با این حال انگیزه واقفان مازندرانی بر اساس وقفنامه‌ها و مصارف موقوفات، بیشتر مذهبی بوده است که آن به قدمت تاریخی و مذهبی استان برمی گردد.

وقفنامه شماره ۱:

اداره معارف و اوقاف مازندران

سواد وقفنامه سلطان آباد دابو نمره..... که اصل آن بنمره... مورخه... ثبت شده است.

بسم الله تعالی

مخفی نماند جناب حاجی آقای ابوی... در سنه ۱۳۳۵ هجری بموجب ورقه که صورت آن در دفتر درج نموده است که ملک چهار دانگ و نیم قریه سلطان آباد دابو را با تمام توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن از بابت ثلث اخراج نموده وقف کرده و مرا امر فرمود اسم خودم را ذیلاً رقم نمودم چون معلوم شد به موجب قباله معتبره و تصدیق ایشان ملک را مالکم و وقف ایشان در غیر محل واقع شد لذا محض احترام ایشان قربة الی الله در طریق مخصوص وقف نمودم که همه ساله نصف منافع در مدت بیست سال صرف شود در اجرت عمل.... نماز و روزه برای مادرم و... سال اجرت عمل نماز و روزه برای جد و جده پدریم صرف شود و بعد از بیست سال در ظرف.... آن نصف منافع صرف شود برای اجرت عمل یک پنجاه... نماز و روزه برای حاج مزبور و نصف دیگر در این مدت بیست و چون مذکور و... صرف عزاداری ابا عبدالحسین علیه السلام و سایر ائمه و اصحاب ایشان علیهم السلام و خمس و رد مظالم و زکوة بشود و بعد از بیست و چون نصف عزاداری و نصف دیگر رد مظالم و خمس و زکوة صرف شود و تولیت با خودم می باشد بعد به ارشد

اولاد خودم نسلاً بعد نسل با یک نفر عالم متدین سفلائی و در هر عصر که هست و در صورت فقدان اولاد و یا عالم به ارشد اولاد و حاج مرقوم در هر طبقه و دو نفر متدین قریه مزبوره ثم بمؤمنین قریه کلپاشاه بشرط قابلیت و تقوی و حق تولیت بعد از بیست سال برای خیر خودم دو عشر از منافع مقرر شد متولی در عزاداری در تکیه سفلا و پاشاکلا و غیرهما مختار است و اقباض قبض بعد از اجرای صیغه وقوع یافت بتاريخ دوم جمادی الاولی سنه ۱۳۳۸ هجری غلامحسین امیری - محمد مهدی بسم الله الرحمن الرحیم، قد اجريت الصیغه علی حسبما فصل فی المتن و وقع الوقف الشرعی مع القبض لدی الفانی فی الاثنین فی جمادی الاولی من ۱۳۳۸ و انا الجانی عبدالرحیم لاریجانی میر عبدالکریم

بسم الله تعالی در موضوع وقف بودن ملک مزبور در ورقه از قراری که در متن نوشته می باشد جناب حاج مهدی سلطان و ولد ارشد ایشان آقاغلامحسین اقرار و وقف نمودند فی شهر جمادی الاولی ۱۳۳۹ ابوالقاسم المطلق (محل مهر) بسم الله تعالی اعترف الحاج المعظم المرقوم فی المتن و ولد الارشد المزبور فیه بتمام ما سطر فیه فی تاریخیه ۱۳۳۸ لدی محمد ابراهیم، مهر: ذاکر آل محمد ابراهیم بسم الله التحریر قد اقر الحاج و ولده..... بتمام ما رقم فی الورقه لدی بتاريخ المتن / ۱۳۳۸ العبد المذنب روح الله

آنچه ورقه نوشته شده است صحیح است و واقع شد بتاريخ متن محمدقلی - صحیح است ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحیم، این ورقه سواد اصلی است که اصل آن در نزد این جانب ضبط است بتاريخ هشتم ذی قعدہ الحرام ۱۳۵۱ عبدالکریم حائری امیری مهر عبدالکریم

سواد مطابق اصل است ۱۰/۱۲/۱۱ [۱۳]... شریعت زاده

سواد مطابق سواد اصلی است که در اداره معارف موجود است جمال رسولی محل مهر اداره معارف آمل و نور، سواد مطابق با سواد مضبوطه در دوسیه است؛ امضا:

وقفنامه شماره ۲:

مخفی و مستور نماناد بر اینکه زبده الاعاظم و الاشراف آقای عقیل مشایی بحکم شرع مطاع حضرت خاتم الانبیا صلی الله متولی موقوفه مسجد جامع بلده طيبة أمل و هم متولی شرعی موقوفات تکیه أمل که واقع است در محله مشایی غرض این است که اباً عن جد واقف و متولی مذکورترین بودند و هستند کس بحکم شرع مأذون نیست که در موقوفات مداخله نماید بر مستأجرین املاک موقوفه و جمیع دکاکین شهر مزبور از مراتع و مزارع ییلاق نور خصوص مستاجر قریه آبک سر از لتکوه من محال پایین خیابان که ملک موروثی وقف است بر جناب سرور شهیدان و هر ساله باید منافع قریه مزبوره بعد از وضع مالیات دیوانی آنچه اخذ می شود از قرار قبض متولی مسطور کارسازی شود که در ایام عاشورا در عزای حضرت سید الشهداء روحی له الفداه در تکیه مذکوره اخراجات شود اگر کسی بخواهد تغییر و تبدیل در املاک موقوفه نماید در دنیا و آخرت به لعن خدا و نفرین حضرت رسول صلی الله گرفتار شود لعن الله علی الغاصین بناءً لهذا بر علمای شرع مطاع و بر امنای دولت ابدیت قاهره این است که تقویت نمایند تا موجب رضوان خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام شوند. (مهر: ابوطالب الموسوی).

این سواد مطابق با سواد اصلی است که در نزد مشهدی... مشایی موجود و در یک صفحه و مشتمل بر یک... بر ۱۳ موقوفات سجل است. تاریخ ۶ برج... [مهر: ناخوانا]، [مهر: ناخوانا]، [مهر: مازندران، عدلیه]

[حاشیه بالا وسط]: بسمه تعالی السواد طبق اصله الملحوظ متناً و سجلاً و تاریخاً (امضاء، لا یقرء) (مهر: محمد باقر ابن الحسین (آقای آیه الله زاده)

[حاشیه بالا چپ]: بسمه تعالی و له الحمد هذا السواد مطابق لاصله المعتمد متناً

و... و محل السجلات و الخواتيم الشریفه فی الاعلام السابقه رضوان الله علیهم و قد... الاحقر العاص سلمان المازندرانی موسوی، (مهر:) قال السلطان منا اهل البيت. [حاشیه بالا چپ]: بسم اله تعالی و له الحمد، بموجب مقابله که حضرات آقایان کرده و چندین... نمودند این سواد مطابق با اصل خود است... (مهر:) محمد حسن ابن صفر علی

[حاشیه بالا راست]: بسم الله، السواد المزبور مطابق لاصله المعبر متناً و... ختماً فرق نیست بنفس فی ۹ ربیع المولود ۱۳۴۲ و انا الفانی محمد باقر اللاریجانی.

[حاشیه بالا راست]: ۸۵۶؛ مورخه ۱۴ برج میزان تنگوزیل ۱۳۰۲ بطوریکه در اصل تصریح شد مطابق درخواست آقای آقاسید محمد باقر تاجر نیکی در دفتر اوقاف بارفروش ثبت و ملاحظه شد. امضا.....، (مهر:) دفتر اوقاف بارفروش [حاشیه بالا راست]: بسم الله تعالی شأنه، بلی این احقر ورقه اصل را مشاهده و معاینه نمودم مهور به امهار علمای اعلام و حجج الاسلام... قدس الله اسرارهم اجمعین بوده بنحویکه در اینسواد مرقوم شده فهدالسواد مطابق لاصله حرر احقر الحاج الحائری النجفی ۱۸ شهر صفر ۱۳۴۲ (مهر:)... بالغ امره العبد المذنب محمد حسین.

[حاشیه بالا وسط]: معلوم بوده باشد که چون امورات واقف بواسطه اختلاف وارثین واقف پیوسته مختفی بوده و نجابت بنیان آقاعقیل ادق و احفظ بوده است در این طبقه لهذا بظاهر وقفنامه خودش متولی شرعی است و احتیاطاً... ایضاً ایشان را قییم قرار دادم و مأذون نمودم که مواظبت نمایند. موقوفات را در اخذ و قبض منافع و حفظ از خرابی و رسانیدن بجهت موقوفه فی ۲ ربیع الاولی ۱۲۹۱، (مهر:) ابوطالب الموسوی.

[حاشیه بالا وسط]: آنچه جناب مستطاب سیدالنفهاء والراشدین آقای بزرگوار دام ظلّه العالی در اینقره مقرر فرموده اند صحیح و ممضی و مجری و لازم العمل است فلیعمل بمقتضاه و لایتخلف عن... حرره الاقل الاحقر ۱۴ شهر جمادی الاولی فی

شهور ۱۲۹۲، (مهر): الواثق بالله الخفی عبده محمد تقی - جناب مستطاب مجتهدال...
حاجی میرزا محمد تقی ساروی

[حاشیه بالا وسط]: هوالمستعان، عالی جناب آقاعیسی شرعاً متولی است مادامیکه
میان خود و خدا بمقتضای تکلیف عمل می کند از جانب احقر نیز از امین و مأذون
است و قد حرر فی ربیع الآخر فی سنه ۱۲۹۲، (مهر): عبده محمد ابن محمد
مهدی (حجة الاسلام).

[حاشیه بالا وسط]: بسم الله تعالى و له الحمد... عالیجاه زبده الاشباه آقاعقیل مشایی
زید توفیه متولی شرعی موقوفات مرقومه است فعلیه رعایة الوقف حسب المرقومه
(مهر): حسین منی و أنا من حسین.

[حاشیه بالا وسط]: عالیجاه مذکور متولی شرعی می باشد در موقوفات حضرت
سیدالشهدا علیه السلام در اینورقه مذکور است و انا الاحقر (مهر): عبده علی اکبر
الموسوی.

[حاشیه بالا وسط]: هوالمستعان؛ نظر با دقیه و احفظیه عمدة الاعاظم والاشراف
عالیجاه آقاعقیل مشایی در موقوفات مسجد جامع آمل و موثق بودن مشارالیه
عندالکل و متعین نمودن حجة الاسلام پیرو جناب الشیخ و هو آقا شیخ زین العابدین
دام ظلّه عالیجاه مذکور متولی موقوفات مذکور می باشد کسی را نمی رسد که بی اذن
ایشان مداخله نماید ۱۲۹۷ (مهر): عبده علی اکبرالموسوی.

[حاشیه بالا وسط]: بسم الله تعالى، بلی آنچه علمای اعلام تحریر فرمودند از
تولیت عالیشان سعادت... آقاعقیل و اذن بایشان در استقلال و استرباح و اخذ
مداخل موقوفه و صرف آن در مصارف معینه نافذ و ممضی است... لاحتیاط
بقدر الامکان فانه... النجاه والفوز با رضوان حرره الاقل فی القعه الحرام ۱۳۰۰،
(مهر): الراجی عبدالرحیم، جناب مستطاب و حیدالعصر آقای آقاشیخ عبدالرحیم
نهاوندی ۳۰.

نتیجه

وقف، سبب ماندگاری و حفظ روستا و مراتع بسیاری شد که امکان تخریب آن در مازندران می‌رفت. بسیاری از روستاهای مازندران و متعلقات آن که اراضی مزروعی، مراتع، احشام و... را شامل می‌شود به صورت وقف است. دلیل وقف یک روستا به زمان وقف آن برمی‌گردد. طایفه‌ای بودن برخی از شهرستان‌های ایران به خصوص در مازندران سبب حفظ دهات مذکور و استمرار ده نشینی شده است که هر یک از این طوایف با وقف کردن مراتع متعلق به خود تا به امروز آن را پایدار داشتند.



پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
۲. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان مازندران دارای ۱۹ شهرستان، ۵۲ شهر، ۴۶ بخش و ۱۱۷ دهستان است. (استان‌شناسی مازندران، ص ۳۸)
۳. همان، صص ۷۵-۷۶
۴. دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۹
۵. مجله تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۶، ص ۷۵
۶. مجله تاریخ ایران، شماره ۵۹، صص ۷۶-۷۷
۷. سفرنامه بارنز، ص ۹۱
۸. ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه، ص ۱۶۴
۹. مجله تاریخ ایران، شماره ۵۹، صص ۷۷-۷۸
۱۰. همان، صص ۷۶-۷۷
۱۱. به سبزه‌زاری که بهایم در آن می‌چرند و چراگاهی که آب و علف در آن بسیار باشد، مرتع می‌گویند. بر دو نوع است: ۱- طبیعی: سرزمینی که دارای پوشش گیاهی خودرو باشد و آدیان سهمی در رویدن آن ندارد مرتع طبیعی می‌گویند. ۲- مصنوعی: مرتعی که انسان در بالندگی و یا تأسیس آن نقش داشت. (آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۵، ص ۵۶)
۱۲. مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۵، ص ۷۴
۱۳. مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۸، ص ۱۹
۱۴. مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۵، ص ۷۲
۱۵. همان، ص ۷۵
۱۶. مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۸، ص ۲۵
۱۷. نور در گذشته بخشی از شهرستان تاریخی آمل بود.
۱۸. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۷۶، صص ۵۲-۵۳
۱۹. وقفنامه‌ها (رجوع شود به: بازار آمل، معصومه یدالله‌پور)
۲۰. مجله معارف اسلامی، شماره ۸، ص ۶۸
۲۱. وقفنامه (رجوع شود به: هویت زنان واقف در ایران، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۸۴)
۲۲. ۴۷۱ آبادی
۲۳. جغرافیای تاریخی ساری، صص ۲۶۸-۲۷۷
۲۴. وقفنامه آقارستم روزافزون
۲۵. دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۵۹
۲۶. وقفنامه قهارقلی خان در بارفروش (رجوع شود به: اولین وقفنامه‌های چایی، مجید غلامی جلیسه)

منابع:

کتاب

۱. استان‌شناسی مازندران، ترزبان و دیگران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۹۳.
۲. ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه، سیمونل گرین ویلر بنجامین، ترجمه: محمدحسین کردبچه، تهران، جاویدان، ۱۳۶۳.
۳. جغرافیای تاریخی ساری، حسین اسلامی، ساری، جرس، ۱۳۷۳.
۴. سفرنامه بارنز، سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار، الکساندر بارنز، ترجمه: حسن سلطانی فر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۵. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مصطفی سلیمی فر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

مقاله

۱. اولین وقفنامه‌های چاپی، نویسنده: مجید غلامی جلیسه، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۷۵، ۱۳۹۰.
۲. آستانه‌های مازندران، نویسنده: محمدتقی دانش‌پژوه، مجله معارف، شماره ۲، ۱۳۴۵.
۳. بازار آمل، نویسنده: معصومه بدالله پور،

۲۷. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، ص ۷۷
۲۸. مجله تاریخ ایران، شماره ۵۹، صص ۷۶-۷۷
۲۹. اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل، آرشیو ۴۴۰
۳۰. همان، آرشیو ۱۴۳

۱۱. نظری درباره مدیریت و مالکیت مراتع، نویسنده: محمدحسین پاپلی یزدی، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۸، ۱۳۶۹.
۱۲. واژه شناسی تاریخی ده و روستا در ایران، نویسنده: حسن باستانی راد، مجله تاریخ ایران، شماره ۵۹، ۱۳۸۷.
۱۳. وقفنامه میرزا محمدیوسف اشرفی، نویسنده: منوچهر ستوده، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۱۸، ۱۳۷۶.
- مرکز آرشیوی**
اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل.
- رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، بنیاد ایران شناسی، ۱۳۸۸.
۴. بررسی فقهی - حقوقی مراتع و جنگل های واقع در موقوفات، نویسنده: عبدالرضا اصغری، مجله آموزه های فقه مدنی، شماره ۵، ۱۳۹۱.
۵. بررسی واژه شناختی و معناشناختی روستا و رستاق در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری، نویسندگان: الهام امینی و قنبرعلی رودگر، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۹۱.
۶. بررسی، بازنویسی و ترجمه سند وقفنامه آقا رستم روزافزون سردار مازنی (قرن ۱۰ ه.ق)، نویسنده: مهدی رحمانی کفشگری، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۷۵، ۱۳۹۰.
۷. حمام های تاریخی آمل، نویسندگان: شهرام یوسفی فر و معصومه بدالله پور، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۷۶، ۱۳۹۰.
۸. دو وقفنامه از مازندران، نویسنده: محمدتقی دانش پزوه، مجله معارف اسلامی، شماره ۸، ۱۳۴۸.
۹. روستا در مفهوم واقعی آن، نویسنده: سید حسن حسینی ابری، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۷۸.
۱۰. مدخل بابل، نویسنده: خسرو خسروی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ۱۳۷۵.